



## بررسی رابطه بنیان‌های اخلاقی و جهت‌گیری مذهبی با مهارت‌های ارتباطی بین فردی در بین دانش‌آموزان متوسطه دوم شهرستان بجنورد

محمدحسن ایمانی

کارشناس ارشد رشته روانشناسی تربیتی

### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین بنیان‌های اخلاقی و جهت‌گیری مذهبی با مهارت‌های ارتباطی بین فردی در بین دانش‌آموزان پسرانه متوسطه دوم شهرستان بجنورد بوده است. از بین دانش‌آموزان متوسطه شهرستان بجنورد ۳۰۵ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - مرحله‌ای انتخاب شدند. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جهت اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی (هایت و گراهام، ۲۰۰۷) و پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی (آلپورت، ۱۹۶۷) و پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی بین فردی (منجمی زاده، ۱۳۹۱) به ترتیب جهت سنجش بنیان‌های اخلاقی، جهت‌گیری مذهبی و مهارت‌های ارتباطی بین فردی استفاده شد. تحلیل رگرسیون گام به گام و ضریب همبستگی پیرسون جهت تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت و اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی و بنیان‌های اخلاقی با مهارت‌های ارتباطی بین فردی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهرستان بجنورد رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که هر چه نمره جهت‌گیری مذهبی و بنیان‌های اخلاقی بالاتر باشد، مهارت‌های بین فردی نیز بالاتر خواهد بود. علاوه بر این نتایج نشان داد که مهارت‌های ارتباطی بین فردی در بین دانش‌آموزان از روی جهت‌گیری مذهبی و بنیان‌های اخلاقی آن‌ها به‌طور معنی‌داری قابل پیش‌بینی است.

**واژگان کلیدی:** جهت‌گیری مذهبی، بنیان‌های اخلاقی، ارتباطات، مهارت‌های ارتباطی بین فردی



## مقدمه

بشر موجودی اجتماعی است و ایجاد ارتباط بین اعضای جامعه یکی از نیازهای بدیهی است. انسان‌ها وقتی صحبت می‌کنند واژه‌ها را بی‌هدف از دهان خارج نمی‌کنند بلکه هدف برقراری ارتباط با دیگران و خطاب به آن‌هاست. با صحبت کردن می‌خواهیم طرف مقابلمان مقصودمان را بفهمد و او نیز به سخنانمان گوش می‌دهد تا مقصودمان را درک کند. ارتباط دانش‌آموزان چه در محیط مدرسه و چه خارج از مدرسه بیرون از این چارچوب نیست یعنی اینکه رابطه دانش‌آموزان باهم چه از طریق ارتباط کلامی و یا غیر کلامی تأثیرگذاری بر روی هم است. دانش‌آموزان هر کدام با فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های متفاوت و گاهی متضاد هم وارد مدرسه می‌شوند، طبعاً با برقراری ارتباط دانش‌آموزان تأثیرگذاری بر روی خصوصیات اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت آنان نیز شروع می‌شود. حال اگر در جامعه‌ای فراوانی خانواده‌هایی که سنجش معیارهای عرفی و اخلاقی و مذهبی آن جامعه دارای فرهنگ‌های مناسب باشند و از بنیان‌های اخلاقی سالم برخوردار باشند، نتیجه برقراری ارتباط دانش‌آموزان مثبت و مطلوب خواهد بود عکس این قضیه نیز امکان دارد روی بدهد، یعنی تأثیر منفی فرهنگ دانش‌آموزان بعضی از خانواده‌های ناسالم بر رفتار سایر دانش‌آموزان انکارناپذیر است.

در این بین روابط بین فردی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی انسان از آغاز تولد تا هنگام مرگ است. هیچ‌یک از توانمندی‌های بالقوه انسان، جز در سایه روابط بین فردی رشد نمی‌کند. فراگیری روابط بین فردی صحیح، اهمیت بسزایی در ایجاد سلامت روانی، رشد شخصیت، هویت‌یابی، افزایش بهره‌وری شغل، افزایش کیفیت زندگی، افزایش سازگاری و خودشکوفایی دارد. افرادی که از مهارت‌های ارتباطی ضعیف‌تری برخوردارند کمتر از سوی اطرافیان خود پذیرفته می‌شوند و با مشکلات کوتاه مدت و بلندمدت زیادی روبرو هستند (نوری قاسم آبادی، ۱۳۷۷).

از سوی دیگر یکی از جنبه‌های مهم رشد، تحول و تکامل اخلاقی است، که از بدو طفولیت تا سنین جوانی و بزرگسالی خط سیر مشخصی دارد. اخلاق، مقوله‌ای فطری است و کودک به محض تولد، دارای این قابلیت و استعداد ذاتی هست. از نظر پیائزه، رشد اخلاقی که ناشی از رشد شناختی و کسب تجارب اجتماعی است، به معنای احترام به قوانین و عدالت اجتماعی است (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

در این میان خانواده، بنیاد بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی محسوب می‌شود یعنی بی‌تردید سوابق خانوادگی در خلق و خوی کودک تأثیر دارد. والدین به طرق مختلف از جمله با ارائه مدل علمی رفتاری خودشان، رفتار اخلاقی کودکان را شکل می‌دهند یا بر آن نوعی فراخور محسوب می‌شوند. به نظر کلبرگ (۱۹۸۰) هدف از آموزش اخلاق و موازین اخلاقی به فعل رساندن توانایی قضاوت کودک است، تا به وی این فرصت داده شود تا برای کنترل رفتار خویش از قضاوتی درست بهره ببرد (کلبرگ، ۱۹۸۰).

دین‌داری نیز یک نظام عملی مبتنی بر اعتقادات است که در قلمرو ابعاد فردی و اجتماعی از جانب پروردگار برای هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی ارسال گردیده و شامل عقاید، باورها، نگرش‌ها و رفتارهایی است که باهم پیوند دارند



و احساس جامعیت را برای فرد تدارک می‌بینند. آلپورت شاید یکی از معروف‌ترین حامیان نتایج مثبت مذهب بوده است (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۵).

از نظر آلپورت (۱۹۶۷) جهت‌گیری مذهبی به دو صورت جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی است (جان بزرگی، ۱۳۸۶). به اعتقاد او مذهب طیفی است که از یک‌سو برای افراد معنایی ابزاری دارد و از سوی دیگر نوعی معنا و معنایابی است که خود انگیزه اصلی زندگی است و ارزش درونی دارد. جهت‌گیری مذهبی درونی را این‌طور تعریف می‌کنند: "هدایت ارزش‌ها، ارتباط شخصی با خدا داشتن از طریق نماز و دعا، و جست و جوی معنای خدایی در امور روزمره". با توجه به این تقسیم‌بندی، آلپورت اظهار می‌دارد که اکنون می‌توانیم به این سؤال که آیا برخی باورهای مذهبی درمانگران تر و پیشگیرانه‌تر از دیگر محرک‌ها هستند، پاسخ دهیم. فرض او این است که مذهب بیرونی کمتر از مذهب درونی جنبه درمانگران و پیشگیرانه دارد. برای بسیاری از مردم مذهب عادت‌ی ملال‌آور، تشریفاتی، صرفاً فرهنگی، برای جشن‌ها و مراسم سنتی هست که برای آرامش خانوادگی و شخصی و مسائلی از این قبیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای برخی دیگر مقام در پی دارد و اعتماد به نفس آن‌ها را تقویت کرده و اهداف و نتایج آن‌ها را به پیش می‌برد، که به وسیله آن بر دوستانشان فائق می‌آیند، در دیگران نفوذ می‌کنند و قدرتی برای خود دست و پا می‌کنند. گاهی نیز در این راستا مذهب دفاعی است در برابر واقعیت. کسانی که مذهب بیرونی دارند، از نظر فلسفه الهی، به خداوند روی می‌آورند ولی از خود دور نمی‌شوند. به همین دلیل مذهب آن‌ها اساساً به سپری برای خود میان بینی آن‌ها تبدیل می‌شود. این همان مذهبی است که از نظر فروید به نوروپیک (روان آزرده‌گی) منتهی می‌شود. در اینجا مذهب به عنوان دفاعی در برابر اضطراب عمل می‌کند. از نظر انگیزشی این مذهب برانگیزاننده نیست ولی به دیگر انگیزه‌ها مانند نیاز به امنیت، نیاز به مقام و قدرت، نیاز به حرمت خود، سرویس می‌دهد (آلپورت و رأس، ۱۹۶۷). از اینرو در ادامه به بررسی رابطه بین بنیان‌های اخلاقی و جهت‌گیری مذهبی با مهارت‌های ارتباطی بین فردی در بین دانش‌آموزان پسرانه متوسطه دوم شهر بجنورد پرداخته می‌شود.

### بیان مسأله

انسان ذاتاً موجودی اجتماعیست و ما هر روز به گونه‌های مختلف با یکدیگر در ارتباطیم تا اندیشه‌ها، احساسات و تمایلات خود را به یکدیگر منتقل کنیم. میزان علاقه و احترام خود را نشان دهیم و رنج و اندوه، شادمانی و خرسندی و شک و دلی خود را با دیگران در میان بگذاریم. یک ارتباط ساده یا یک مجموعه ارتباطات، خواسته یا ناخواسته، از پیش تعیین



شده یا اتفاقی، فعال یا منفعل، به هر حال یکی از ابزارهای کلیدی ارضاء نیازها، کسب نتایج و متجلی ساختن آرزوهای ماست. (کیانی و همکاران، ۱۳۸۹)

توانائی برقراری ارتباط خوب به ایجاد روابط بین فردی مثبت و موثر می انجامد و یکی از این موارد، توانائی ایجاد روابط دوستانه است که در سلامت روانی و اجتماعی و روابط گرم به عنوان یک منبع مهم و روابط اجتماعی سالم نقش بسیار مهمی دارد (حیدر زاده و فیروزآبادی، ۱۳۸۶)

در این میان مدرسه به عنوان اصلی ترین نهاد تعامل و ارتباط بعد از خانواده است که مهارت ارتباطی دانش آموزان در آن شکل می گیرد. ولی متأسفانه مدارس بخشی از زندگی ما شده اند که به راحتی نسبت به نقش استثنائی و خارق العاده آن بی توجه هستیم. مدارس اولین و مهمترین مکان یادگیری هستند که در آنجا لیاقت ها و توانایی ها به بار می نشیند. در عین حال مدارس مکان های حفظ ایمنی، مراقبت، و ترغیب ایجاد تندرستی و اعتماد به نفس و ایجاد ارتباط سالم است که لازمه استقلال در بزرگسالی است. و پرورش شخصیت اخلاقی به عنوان هدف غائی در تعلیم و تربیت، مطرح است و رسیدن به آن پایه، مستلزم توجه به نیازهای روان شناختی و اصول بهداشت روانی شاگردان است. (بهرامی، ۱۳۷۳).

با وجود آن که ارتباط بین فردی جزو بزرگترین پیشرفت های بشر به شمار می آید، اما انسان های معمولی قادر به برقراری یک ارتباط خوب و موثر نیستند (بولتن، ۱۹۹۴، ترجمه سهرابی، ۱۳۸۴).

روابط انسانی برای ارضای نیازهای اساسی ما ضروری اند. داشتن روابط مثبت و سالم با دیگران کلید رشد و کمال آدمی است. آن چه که امروز هستیم و آن چه در آینده خواهیم بود هر دو معلول رابطه ما با دیگران است. روابط ما رفتار ما را به صورت یک انسان اجتماعی شکل می دهند هم چنین در منحصر به فرد بودن شخصیت، هویت، و مفهوم خویشتن ما نقش عمده دارند (عابدی، ۱۳۸۵).

مشکلات بین فردی عبارت است از، آشفتگی یا داشتن مشکلات مشخص در روابط بین فردی و یا به هم خوردن روابط دو یا چند نفر بدون ارتباط با یک اختلال مشخص روان پزشکی (مانند افسردگی، عقب ماندگی ذهنی و...) به طوری که مشکل فوق باعث ناراحتی قابل ملاحظه ی یکی از افراد یا تخریب عملکرد اجتماعی فرد در یکی از حوزه های روابط با والدین، برقراری ارتباط با همسالان، ارتباط با خواهر و برادر و یا ارتباط با اولیای مدرسه یا وابستگی افراطی به دیگران شود. افرادی که از مهارتهای ارتباطی ضعیفتری برخوردارند کمتر از سوی اطرافیان خود پذیرفته می شوند و با مشکلات کوتاه مدت و بلند مدت زیادی روبرو هستند. پیامد چنین ارتباطی در بیشتر موارد تنهایی، مشکلات خانوادگی، عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی، فشارروانی، بیماری جسمی و حتی مرگ خواهد بود برای رهایی از چنین مشکلاتی باید با مجموعه ای از مهارتها آشنا شد؛ یعنی، هر فرد باید دانش و مهارت لازم برای برقراری ارتباط سالم و سازنده با دیگران را



کسب کند. برقراری ارتباط موثر یک از رمزهای موفقیت انسان است و هر کس بتواند با خود و دیگران، اشیاء و حتی لحظه های زندگی خود ارتباط بهتر و موثرتری برقرار کند، احساس موفقیت بیشتری خواهد کرد (ساروخانی، ۱۳۷۲).

در این بین دین با پایه ریزی جامعه ای بر مبنای ارزش های انسانی و معنوی، نقش محوری و اساسی در ترسیم ساختارهای اجتماعی دارد با این توضیح که دین و مذهب در حوزه اجتماعی به دنبال پی ریزی جامعه ای است که در آن ارزش ها و اصول انسانی و معنوی حاکم باشد و این ارزش ها و اصول در روابط اجتماعی افراد از کوچک ترین واحد اجتماع یعنی خانواده تا سطح کلان جامعه تبلور پیدا کند. بدیهی است که براساس چنین جامعه ای ساختار متناسب با آن باید ترسیم و پایه ریزی شود به تعبیر دیگر دین در راستای نقش هدایت و جهت دهی زندگی اجتماعی انسان در کنار توجه به ابعاد فردی براساس تعالیم الهی جامعه ای را ترسیم می کند که در کنار تامین نیازهای مادی انسان ها و افراد جامعه به نیازهای معنوی آنان نیز توجه شود و پیشرفت مادی و معنوی را برای افراد جامعه به ارمغان بیاورد برای نیل به این اهداف باید ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متناسب و همسو با اهداف و آرمان های جامعه شکل بگیرد. بنابراین دین در پایه ریزی و شکل گیری و جهت دهی اجتماعی در یک جامعه دینی که محور روابط اجتماعی براساس آرمان ها و اهداف ترسیم شده برای جامعه تأثیری محوری و اساسی دارد.

نقش دین در اخلاق و کارکرد اخلاقی دین، در کتاب های دینی و اخلاقی نیز آمده است؛ ولی می توان گفت که گرچه بر مبنای حسن و قبح عقلی و ذاتی، عقل توان درک کلیات حسن و قبح اشیا و پاره ای از جزئیات را دارد. ولی انسان در بخش مهمی از مصادیق حسن و قبح به شریعت و دین محتاج است؛ علاوه بر این که در مدرکات عقل نیز احکام اخلاقی دین، نقش تقویت کننده ای را ایفا می کند و هم چنین عقاید و باورهای دینی، پشتوانه و ضامن اجرایی اخلاق اند؛ علاوه بر این دین در پیدا کردن هویت اخلاقی و اجتماعی به افراد مدد می رساند. (جان بزرگی، ۱۳۷۸).

انسان با حس اخلاقی متولد می شود؛ حسی که خیلی زود تجلی می کند. این حس در خانواده ظاهر می شود، به وسیله معلمان الگو می گیرد و توسط اجتماع تغذیه می شود. در حقیقت خانواده، مدرسه و اجتماع قواعد اخلاقی را که بر اساس اصول عدالت و در نظر گرفتن حقوق دیگران قرار دارد، آموزش می دهند. اما اینکه کودکان چطور میل درونی برای پیروی از قواعد اخلاقی را پیدا می کنند در طی مراحل رشد متفاوت است. اخلاق انسانی نیز در گذر زمان، در فعالیت جامعه مؤثر



است و در جهت معینی عمل می کند و مانند سلاحی در جریان مبارزه و دفاع از منافع مردم به کار می رود و آنها را برای فعالیت مشترک، سازمان می دهد. (ماسن و همکاران، ۱۹۷۶)

بر اساس آنچه مورد بحث قرار گرفت و با توجه به اهمیت و نقش بنیان‌های اخلاقی و جهت‌گیری مذهبی و تأثیر احتمالی آنان بر مهارت‌های ارتباطی بین فردی، سؤال پژوهش حاضر این است که آیا بین بنیان‌های اخلاقی و جهت‌گیری مذهبی با مهارت‌های ارتباطی بین فردی در دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان بجنورد رابطه وجود دارد؟

### اهداف پژوهش

به طور معمول موضوع مهارت‌های ارتباطی در روابط بین فردی و بررسی عوامل موثر بر آن، کانون توجه قرار نگرفته و پژوهش‌های کامل و جامعی در این باره انجام نشده است. در عین حال با توجه به پیشرفت جوامع بشری در حوزه‌های مختلف، ارتباطات بین فردی تحت الشعاع قرار می گیرد و نوجوانان را با مشکلات جدی مواجه می سازد. توانایی برقراری ارتباط، مهارت‌های اساسی برای انسان است که بعضی از افراد نسبت به سایرین در این زمینه از مهارت بیشتری برخوردار



هستند. اما کسب مهارت های ارتباطی به طور کامل و جامع نیازمند آموزش در حیطه های مختلف و از جمله مذهب و اخلاق است.

از اینرو هدف اصلی پژوهش حاضر: شناخت و تبیین رابطه بنیان های اخلاقی و جهت گیری مذهبی با مهارت های ارتباطی بین فردی در بین دانش آموزان متوسطه دوم پسر شهرستان بجنورد می باشد.

در همین راستا اهداف جزئی عبارتند از:

شناخت و تبیین رابطه بین جهت گیری مذهبی با مهارت های ارتباطی بین فردی

شناخت و تبیین رابطه بین بنیان های اخلاقی و مهارت های ارتباطی بین فردی

## مبانی نظری

### مهارت های ارتباطی

ارتباطات از لحاظ لغوی، واژه ای است عربی از باب افتعال که در زبان فارسی به صورت مصدری به معنای پیوند دادن، ربط دادن و به صورت اسم مصدر به معنای بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه استعمال می شود.

ارتباطات در اصطلاح، انتقال و تبادل اطلاعات، معانی و مفاهیم و احساسها بین افراد با واسطه یا بلاواسطه را گویند (سهرابیان، ۱۳۷۹).

ارتباطات فراگردی است که طی آن افراد از طریق انتقال علایم پیام، به ارسال و دریافت معنی مبادرت می کنند (رضاییان، ۱۳۷۹).

ارسطو فیلسوف یونانی ارتباط را جست و جو برای دست یافتن به کلیه وسایل و امکانات موجود برای ترغیب و اقناع دیگران می داند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸).

امروزه در ادبیات روانشناسی، تلاش بسیاری برای تعریف «مهارت های ارتباطی» شده است. برای پی بردن به این مفهوم، تعارف برخی از نظریه پردازان را مرور می کنیم.

مک گوایر و پرستیلی (۱۹۸۱) می گویند: مهارت های ارتباطی - اجتماعی به رفتارهایی گفته می شود که شالوده ارتباط های موفق و رودررو را تشکیل می دهند. کلی (۱۹۱۲) می گوید: مهارت ارتباطی همان رفتارهای معین و آموخته شده ای است که افراد در روابط میان فردی خود، برای کسب تقویت های محیطی یا حفظ آن ها انجام می دهند. هارجی (۱۹۸۶) می گوید: مهارت های ارتباطی - اجتماعی مجموعه ای از رفتارهای هدفمند، به هم مرتبط و متناسب با وضعیت است که آموختنی بوده و تحت کنترل فرد هست. مک گوایر و پرستیلی (۱۹۸۱) کلی (۱۹۱۲)، هارجی (۱۹۸۶)، اشلانت و مک فال



(۱۹۸۵)، نقل از فیروز بخت، (۱۳۷۷) مهارت‌های ارتباطی را مجموعه‌ای از رفتارهایی می‌داند که کیفیت ارتباط فرد با فرد را مشخص می‌کند (قربانی، ۱۳۸۴).

منظور از مهارت‌های ارتباطی، فرایندهای خاصی است که فرد را قادر می‌سازد به صورتی « شایسته » رفتار کند (هارجی و دیکسون، ۲۰۰۴). در حقیقت، اجتماعی شدن هر فرد، دستاورد مهارت‌های ارتباطی اوست که قبلاً آموخته است. بولتون (۱۹۹۳) مهارت‌های ارتباطی را می‌توان مشتمل بر مهارت‌های فرعی (یا خرده مهارت‌های آن) متفاوتی دانست. توانایی گوش دادن فعالانه به عنوان یک مهارت اساسی در روابط بین فردی مورد توجه قرار گرفته است. چاری و فداکار (۱۳۸۴) و استیل (۱۹۹۱) معتقد است که گوش دادن عبارت است از فرایند آموخته‌شده و پیچیده حس کردن، تفسیر، ارزیابی، ذخیره‌سازی و پاسخ‌دهی به پیام‌های شفاهی گوش دادن مؤثر، مشارکت فعال در یک گفت‌و شنود، و فعالیتی است که گوینده را در انتقال منظور خویش، یاری می‌کند (امین چهارسوقی، ۱۳۸۱) کنترل عواطف به عنوان مقوله دیگری از مهارت‌های ارتباطی نقش مهمی در برقراری، تداوم و سلامت روابط اجتماعی ایفا می‌کند. مفهوم هوش عاطفی (هیجانی) نیز تا حد زیادی ناظر به اهمیت و تأثیر این جنبه از فرایند روابط اجتماعی است. به‌طور خلاصه، مقوله کنترل عواطف ناظر به توان ابراز احساسات و کنترل آن و نیز کنار آمدن با عواطف دیگران است (چاری و فداکار، ۱۳۸۴).

توانایی دریافت و ارسال پیام‌های واضح ارتباطی که از آن به صورت مهارت درک پیام یاد می‌شود، نیز به عنوان یکی دیگر از مقوله‌های مربوط به مهارت‌های ارتباطی مطرح هست. نه تنها دریافت و ارسال پیام به معنای عام، بلکه توانایی کشف معنای حقیقی پیام‌های کلامی و غیرکلامی در ارتباط اجتماعی نیز حائز اهمیت است. در واقع توانایی درک چگونگی تأثیرگذاری در روابط اجتماعی و نیز توانایی فهم دیگران که از آن تحت عنوان « بینش نسبت به فرایند ارتباط » یاد می‌شود نیز یکی دیگر از مهارت‌های ارتباطی هست « قاطعیت » یا فعال بودن در ارتباط نیز یک مهارت ارتباطی است. این مهارت ناظر به برخورداری از جسارت بدان حد است که فرد بتواند صرف نظر از واکنش عاطفی دیگران سؤالات و ابهامات خود را بیان کند (چاری و فداکار، ۱۳۸۴).

فرهنگ و تأثیرات فرهنگی نیز به حدی گسترده‌اند که می‌توان آن‌ها را شکل‌دهنده کل درک شخص از جهان اجتماعی در نظر گرفت (هارجی و دیکسون، ۲۰۰۴). فرهنگ یک فرد، هویت او را تشکیل می‌دهد و هر چه فرد با این فرهنگ، ارتباطی عمیق‌تر و محکم‌تر برقرار نماید، زیربنای هویت او شکل مستحکم‌تری به خود می‌گیرد. اما دوره رشد هویت در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت بوده و در بین خرده‌فرهنگ‌های موجود در یک جامعه و حتی در بین دوره‌های تاریخی مختلف تفاوت‌های وسیعی دیده می‌شود (سهرابی و البرزی، ۱۳۸۲).

### دانش آموزان در ارتباط با یکدیگر

بخش عمده‌ای از حوادث زندگی انسان، درون گروه‌ها رخ می‌دهد. اگر با دقت به این موضوع نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که در واقع، تمام رفتارهای انسان‌ها متأثر از افراد و گروه‌هایی است که فرد به آن تعلق دارد. کلاس درس هم یک گروه





است؛ گروهی که افراد با خصیصه‌های مشترک (مثل سن و سال و میزان تحصیلات و رشته تحصیلی) در آن جمع شده‌اند و همین موارد، باعث می‌شود که دانش آموزان به هم نزدیک شوند و احساس دل‌بستگی کنند. البته عوامل زیادی هست که باعث جاذبه و انگیزه می‌شود و این عوامل، اصل مهمی در برقراری رابطه دوستانه و صمیمانه‌اند.

این عوامل عبارت‌اند از: سلام کردن، گشاده‌رویی و لبخند زدن، بانام و حال‌وروز یکدیگر آشنا شدن، تمیزی و آراسته بودن، باادب بودن، منظم بودن، وفای به عهد داشتن، تواضع علمی و بی‌دریغ آموختن به یکدیگر، احساس مسئولیت در قبال وضعیت درسی و روحی یکدیگر و بسیار موارد دیگر که مجال گفتن آن‌ها نیست.

غیر از روابط دوستانه - که در هر کلاسی باید باشد، روابط دیگری نیز وجود دارد که با توجه به گروه و هدفمندی آن به وجود می‌آید و چون گروه موردنظر، گروهی است که اهدافش مطابق باهدف‌های آموزشی و پرورشی است، پس روابط موجود در آن، مطابق نظر معلم و شاگردان است.

دومین رابطه بعد از رابطه دوستانه، رابطه علمی است. ترقی و پیشرفت درسی در هر کلاسی به میزان همکاری دانش آموزان مستعد و کوشا با دانش آموزان ضعیف بستگی دارد. اگر رابطه علمی در کلاس برقرار باشد و این رابطه دلسوزانه و سازنده باشد، رقابت‌ها سالم و به‌دوراز حسد و کینه‌توزی و باهدف بالا بردن سطح علمی برگزار می‌شود (حجازی، ۱۳۸۲).

سومین رابطه، ایجاد روابط اجتماعی صحیح و درست با یکدیگر است. اگر دانش آموزان، در صحبت کردن‌ها، رفتارها و نگرش‌ها به نکات مثبت و مفید یکدیگر توجه کنند، هرگز درگیری و برخوردهای ناخوشایند پیش نمی‌آید. درواقع، دانش آموزان، زندگی اجتماعی را در کلاس و مدرسه در کنار هم تمرین کنند.

چهارمین رابطه، برقراری پیوند در حوزه معنویت و سیاست (دو حوزه سرنوشت‌ساز زندگی) است که دانش آموزان به این امر مهم نیز باید توجه کنند و از اطلاعات یکدیگر استفاده کنند و با بحث و تبادل نظر، خواهان ارتقای سطح اطلاعات دینی و سیاسی خود باشند و حتماً از نظرات مریبان آگاه نیز بهره ببرند تا از تجربه و دانش نسل‌های پیش از خود، بی‌بهره نمانند. و آخرین نکته که دانش آموزان باید به آن بها بدهند، این است که در تمامی روابط موجود میان گروه (کلاس)، اعضا می‌توانند با همبستگی و اتحاد، نیروی اتکا به نفس و خودباوری را در خود تقویت کنند تا در آینده بتوانند به شکل مؤثری نیازهای جامعه را برطرف کنند و زمینه‌سازان استقلال و سرفرازی کشور خود باشند (حجازی، ۱۳۸۲).

### مفهوم بنیان‌های اخلاقی در نوجوانی و جوانی

ویژگی‌های اخلاقی، ارزشی نوجوانان و جوانان، ریشه در گذشته رشدی آنان دارد. شکل‌گیری این ویژگی‌ها فرایندی طولانی است که، بر روی ریشه‌های ژنتیک و طبیعی و فطری آن، در طول سال‌های کودکی تا جوانی به تدریج شکل می‌گیرد و بعداً در سنین بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد و دستخوش تغییر و تحول می‌شود. این فرایند، که به زعم گروهی از روان‌شناسان، یکی از جنبه‌های اجتماعی شدن است، از دومین سال زندگی کودک آغاز می‌شود و در سال‌های کودکی کستانی



و دبستانی نیز ادامه می‌یابد. در این جریان، افتهای نگرش کودک دائماً گسترش می‌یابد. همین یادگیری‌های اولیه است که یکی از پایه‌های اصلی رشد اخلاقی، ارزشی را در فرد شکل می‌دهد.

به علاوه چگونگی تعلق متقابل کودک و والدین به ویژه نوع ارتباط مادر و کودک در سالهای اول زندگی اوست که پایه مهم دیگری در رشد اخلاقی، ارزشی به حساب می‌آید. تعلق اطمینان بخش کودک به والدین و دستیابی او به خودمختاری مناسب سن و سال وی نیز تأثیر بزرگی بر فرایند شکل‌گیری اخلاقی، ارزشی او می‌گذارد.

وقتی که تعلق کودک به والدین و بزرگسالان همراه با اطمینان باشد هنجارهای اخلاقی، ارزشی ارایه شده از جانب آنان در وی درونی و از آن خود او می‌شود. اگر والدین و بزرگسالان بتوانند رفتاری متناسب با طبیعت کودک داشته و نظم بخشی رفتار وی را، به خصوص در سالهای پیش از دبستان، تحت کنترل سنجیده‌ای در آورند زمینه‌های رشد اخلاقی او نیز فراهم خواهد شد و کودک می‌تواند کنترل خود را در وضعیتهایی که باید رفتار معینی از وی سر بزند به دست آورد. اگر در این سالهای کودکی و سپس در سالهای دوره دبستانی، کودک یاد بگیرد رفتارهایی را از خود بروز دهد که فکر می‌کند درست است و بزرگسالان نیز بر این اعمال او صحه بگذارند. در واقع نشان می‌دهد که پایه‌های رشد وجدان اخلاقی او شکل گرفته است. چنین کودکی وقتی به سن نوجوانی و جوانی می‌رسد مشکل و تعارض اخلاقی بزرگی نخواهد داشت و از هنجارهای اخلاقی مورد قبول محیط زندگی اجتماعی و فرهنگی خود فاصله زیادی نخواهد گرفت. تحول اخلاق آدمی که از آغاز تا پایان زندگی جریان دارد، به خصوص در نوجوانی و جوانی و همراه با شکل‌گیری هویت فرد تسریع می‌شود و چگونگی ادامه زندگی او را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. رشد سریع شناختی در نوجوانی و جوانی باعث می‌شود که فرد بهتر بتواند درباره مسائل اخلاقی، ارزشی قضاوت کند و در برخورد با این مسائل واکنش دقیق‌تر و پیچیده‌تری نشان دهد. همچنین، تحولات وسیع عاطفی و اجتماعی و مواجهه نوجوانان و جوانان با مقتضیات زندگی و انتظارات والدین، دوستان و اطرافیان و تجارب تازه‌ای که در مناسبات اجتماعی و فرهنگی خود کسب می‌کنند درگیری آنان را با مسائل اخلاقی و ارزشی بیشتر می‌کند و زمینه‌های رشد آنان در این امور را گسترش می‌دهد. نتیجه این وضع آن است که نوجوانان و جوانان با مجموعه وسیعی از تغییرات درونی و بیرونی و تعارض‌های ناشی از ارزش‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و دینی روبرو می‌شوند و باید جایگاه مطمئنی برای دوام و رشد خود دست‌وپا کنند. آنان باید در هرروز و هرلحظه تصمیمی بگیرند و از بین راه‌حل‌های مختلف اجتماعی و ارزشی راه مناسب‌تری را انتخاب کنند.

رشد اخلاقی از جمله عناوین قدیمی مورد علاقه دانشمندانی است که درباره ماهیت و کیفیت رشد انسان تحقیق کرده‌اند. رشد اخلاقی به معنای درونی کردن قواعد و قوانین و ارزش‌های مرتبط با چگونگی رفتار و تعامل فرد بین خود و دیگران



است. این رشد هم دارای جنبه‌های بین فردی (شامل ارزش‌های مرتبط با حقوق و سعادت دیگران) و هم دارای جنبه‌های درون فردی (یعنی ارزش‌های درونی شده پایه‌ای و احساس فرد نسبت به خود) است (لطف آبادی، ۱۳۸۰).

### ماهیت ابعاد جهت گیری مذهبی

در این زمینه، آلپورت، سردمدار پژوهش در زمینه مذهب و روانشناسی مذهب را جزء نیرومندترین عامل‌های انگیزش محسوب می‌کند، وی مذهب را بر اساس انگیزه‌ها تقسیم کرده و معتقد است افراد از نظر جهت گیری مذهبی به دودسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- افراد با جهت گیری مذهبی درونی: که در این وضعیت فرد مذهب را از درون طلب کرده، با آن زندگی می‌کند و نیز تمامی زندگی خود را با آن معنادار و با انگیزه می‌سازد.
- ۲- افراد با جهت گیری مذهبی بیرونی: که در این حالت فرد مذهب را صرفاً برای راحتی، آسایش، جایگاه، مقام و حمایت اجتماعی برگزیده است (بختیار، ۱۳۸۹).

آلپورت معتقد بود آدم‌هایی که گرایش‌های دینی بیرونی دارند دین را وسیله می‌دانند آنها دین را مستمسک ارضای انگیزه‌های شخصی و پنهان خود از جمله تأمین امنیت، راحتی، جاه و مقام و جلب حمایت مردم قرار می‌دهند اما کسانی که گرایش‌های دینی درونی دارند، باورهای دینی را هدف می‌دانند

دین‌داری بیرونی عبارت است از: دین آسایش و قرارداد اجتماعی، رویکردی خود خواهانه و ابزاری که معنای منفی برای فرد به ارمغان می‌آورد. به عنوان نمونه، افراد دیندار بیرونی ممکن است برای مشاهده شدن توسط دیگران، برای افزایش اعتبار در جامعه یا برای انطباق با انتظارات جامعه در مراسم‌های مذهبی حاضر شوند. اما دین‌داری درونی، سبکی از دینداری است که فرد برای بدست آوردن احساس معنی و هدف در زندگی بدان تمایل دارد. بدون اینکه منافع اجتماعی را که به واسطه دینداری برایش حاصل می‌شود در نظر بگیرد (کرین، ۱۹۸۵).

(آلپورت به نقل از اولمان، ۲۰۰۵) معتقد است تفاوت قائل شدن بین جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی به ما کمک می‌کند تا کسانی را که دین برای آنها هدف است را از کسانی که دین برای آنها وسیله است جدا نماییم. افراد دسته اول به خوب بودن هدف توجه دارند و افراد دسته دوم به خوب بودن وسیله.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف بنیادی و از نظر روش تو صیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان دوره دوم متوسطه پسر شهر بجنورد در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ تشکیل می‌دادند. تعداد این دانش آموزان بر اساس گزارش اداره آموزش و پرورش شهر استان بجنورد ۱۴۸۸ نفر می‌باشد در این پژوهش برای انتخاب نمونه از میان دانش آموزان متوسطه عادی و هیات امنایی پسرانه که تعداد آن‌ها ۱۴۸۸ نفر بود، بر اساس جدول کرج سی و مورگان



(۱۹۷۰)، ۳۰۵ نفر به عنوان نمونه مورد نظر و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای - چند مرحله‌ای استفاده شد. به این ترتیب که ابتدا مدارس شهر بجنورد و سپس از بین مدارس شاهد، نمونه، تیزهوشان، هیات امنایی و عادی، مدارس عادی و هیات امنایی انتخاب شدند و بر اساس جمعیت نوع مدرسه تعداد ۱۵۵ نفر از مدارس هیات امنایی و ۱۵۰ نفر از مدارس عادی دولتی انتخاب گردیدند و در نهایت در هر مدرسه یک کلاس انتخاب و پرسشنامه بین آنها توزیع گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی MFQ30، پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت و پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی بین فردی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. بدین ترتیب که در سطح توصیفی از فراوانی، کمینه و بیشینه نمرات، میانگین، انحراف معیار استفاده شد. قبل از استفاده از آمار استنباطی مفروضه‌های آمار پارامتریک مانند نرمال بودن توزیع متغیرها و همگنی واریانس‌ها مورد سنجش قرار گرفت. پس از اطمینان از برقراری مفروضه‌های آمار پارامتریک فرضیه‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند. جهت تحلیل فرضیه اول از تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام و جهت تحلیل فرضیه دوم سوم از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

### یافته‌ها

در بخش توصیفی به منظور تبیین عینی و سازمان‌یافته‌ی داده‌های تحقیق و امکان مقایسه بهتر نتایج از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد و نمودار استفاده شده است.

### جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	حداکثر نمره	حداقل نمره	خرده مقیاس‌ها	عامل
۹.۴۷	۸۰.۶۵	۹۵	۴۸	-----	مهارت‌های ارتباطی بین فردی
۴.۵۶	۳۷.۹۰	۴۶	۲۱	درونی	جهت‌گیری مذهبی
۴.۸۵	۳۷.۷۲	۴۴	۲۰	بیرونی	
۳.۷۶	۲۶.۸۴	۳۱	۲۱	انصاف	بنیان‌های اخلاقی
۳.۷۸	۲۶.۸۹	۳۴	۱۹	وفاداری	
۳.۷۲	۲۶.۷۶	۳۳	۲۳	احترام	
۳.۸۸	۲۶.۹۵	۳۵	۲۱	خلوص	
۳.۷۹	۲۶.۷۹	۳۳	۲۰	مراقبت	

نتایج درج شده در جدول ۱ نشان می‌دهد که مهارت‌های ارتباطی دارای میانگین ۸۰/۵۶ است و جهت‌گیری‌های مذهبی



درونی دارای میانگین ۳۷/۹۰ و جهت گیری مذهبی بیرونی دارای میانگین ۳۷/۷۲ است. و در مؤلفه‌های متغیر بنیان‌های اخلاقی مؤلفه خلوص دارای بیش‌ترین میانگین و مؤلفه احترام دارای کمترین میانگین است. در پژوهش حاضر جهت پاسخگویی به فرضیات پژوهشی از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است. نتایج این تحلیل‌ها در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی جهت‌گیری مذهبی و مهارت‌های ارتباطی بین فردی

مهارت‌های ارتباطی بین فردی	متغیرها
۰.۱۵ : ضریب همبستگی	جهت‌گیری مذهبی
۰.۰۰۷ ** : سطح معناداری	درونی
۰.۱۱ : ضریب همبستگی	جهت‌گیری مذهبی
۰.۰۳ * : سطح معناداری	بیرونی

جدول ۳: ماتریس همبستگی مؤلفه‌های متغیر بنیان‌های اخلاقی و مهارت‌های ارتباطی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
مهارت‌های ارتباطی	۱					
انصاف	**۰.۱۶	۱				
وفاداری	**۰.۱۷	**۰.۵۶	۱			
خلوص	**۰.۲۰	**۰.۴۹	**۰.۵۳	۱		
احترام	*۰.۱۴	**۰.۵۹	**۰.۵۵	**۰.۴۶	۱	
مراقبت	*۰.۱	**۰.۰۵	**۰.۰۵	**۰.۰۴	**۰.۰۹	۱

نتایج درج‌شده در جدول ۳ و ۴ نشان می‌دهد که بیش‌ترین میزان همبستگی در مؤلفه خلوص به میزان  $(r=0.20)$  و  $(p \leq 0.01)$ ، و کمترین میزان همبستگی در مؤلفه مراقبت به میزان  $(r=0.1)$  و  $(p \leq 0.01)$  هست. مهارت‌های ارتباطی بین فردی با مؤلفه‌های خلوص  $(r=0.20)$  و  $(p \leq 0.01)$  مهارت‌های ارتباطی بین فردی با وفاداری



( $r=0.17$  و  $p \leq 0.01$ ) مهارت‌های ارتباطی بین فردی و انصاف ( $r=0.16$  و  $p \leq 0.01$ ) و مهارت‌های ارتباطی بین فردی با مؤلفه احترام ( $r=0.14$  و  $p \leq 0.05$ ) مهارت‌های ارتباطی بین فردی با مؤلفه مراقبت ( $r=0.1$  و  $p \leq 0.05$ ) روابط معنادار بوده و در نهایت نتایج نشان‌دهنده آن است که بین بنیان‌های اخلاقی و مهارت‌های ارتباطی بین فردی رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس فرضیه فرعی دوم پژوهش تایید می‌شود. بدین معنی که بین بنیان‌های اخلاقی و مهارت‌های ارتباطی رابطه وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر با یافته‌های سهرابیان (۱۳۷۹)، منجری فرزانه و دیگران (۱۳۹۰)، آجیل چی و رضایی کارگر (۱۳۹۱)، مرادی و همکاران (۱۳۹۱)، کارک لاو کانسانتینو (۲۰۱۰)، براون (۲۰۰۳)، لوپر و والد (۱۹۸۵)، بگیو (۲۰۰۲) همسو می‌باشد. در تبیین چنین نتایجی می‌توان گفت که، رابطه‌ی بین بنیان‌های اخلاقی و جهت‌گیری‌های مذهبی با مهارت‌های ارتباطی در متون مذهبی از سه جهت قابل بررسی است:

اول اینکه دین می‌تواند بنیاد اخلاق باشد و از این طریق می‌تواند آن را ضمانت کند. به این صورت که اگر قرار است، اخلاق به طور کامل تحقق یابد، باید بر اساس دین و با تکیه بر دین و جهت‌گیری مذهبی فرد باشد. جهت‌گیری مذهبی و انجام مناسک دینی، به‌عنوان پشتوانه برای اخلاقی بودن دانش‌آموزان ضروری به نظر می‌رسد. به طور کلی، نمی‌توان انتظار داشت که تمامی انسانها با شناخت و هوش خود به درجات بالای اخلاقی بودن دست یابند؛ بنابراین با مذهب می‌توان رهنمودهایی برای اخلاقی بودن آنها فراهم نمود، تا با این رهنمودها راه درست اخلاقی بودن را بیابند و به سمت بنیان‌های اخلاقی نزدیک شوند.

پیرو چنین نظری، تاریخ و تجربه نیز نشان داده است که، آنجا که دین از اخلاق جدا شده، اخلاق عقب مانده است. امروزه این نکته برای روانشناسان محرز است که اخلاق سطح بالاتری از هویت نسبت به مذهبی بودن (به معنای انجام مناسک مذهبی) است اما برای رسیدن به این سطح، یکی از راهها عبور از مذهب است.

مطهری (۱۳۵۴) نیز در کتاب تعلیم و تربیت اسلامی خود بیان می‌دارد که، دین به راحتی می‌تواند انضباط‌های اخلاقی و سازگاری اجتماعی را به وجود آورد. حتی بعضی از متفکران که در مبحث اخلاق به تامل پرداخته‌اند به این مسئله اذعان دارند که دین بهترین پشتوانه برای اخلاق است؛ برای مثال داستایوفسکی نویسنده روسی می‌گوید: «اگر خدا نباشد همه چیز مباح یا مجاز است».

دوم آنکه، وجود اخلاق و نیاز بشر به آن، دلیلی بر نیاز به جهت‌گیری مذهبی است. به این صورت که انسانها هرگز بدون اخلاق نمی‌توانند زندگی کنند، جامعه بشری نیازمند اخلاق است. از طرف دیگر اخلاق مورد نیاز جوامع بشری باید اخلاقی همه‌جانبه باشد.



در نهایت اینکه، قوانین کاربردی و عملیاتی اصول اخلاقی مانند عدالت/انصاف، وفاداری، احترام به مافوق و خلوص و وجدان مستقیم به مذهب منتقل می‌شود و منشا مناسک مذهبی و دینی می‌گردد.

آموزه‌های دینی نیز بیانگر این واقعیت هستند که انسان موجودی اجتماعی است و خواه و ناخواه با مردم و ویژه با خویشان و آشنایان سر و کار و معاشرت دارد. برای اینکه زندگی‌اش به خوبی و باصفا و موفقیت سپری گردد. و از ناراحتی‌ها و درگیری‌ها در امان باشد، باید با مردم، خوب رفتار و معاشرت کند. از هرگونه خودخواهی، آزار دیگران، بدخواهی آنان و تحقیر مردم خود داری نماید و همواره در روابطش گذشت و ایثار و تواضع داشته باشد.

انجام هر تحقیق دارای محدودیت‌هایی است که این محدودیت‌ها می‌تواند جریان تحقیق و حتی یافته‌ها و نتایج آن را تحت الشعاع قرار دهد. از جمله محدودیت‌هایی که در تحقیق حاضر وجود داشتند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مهمترین محدودیت این پژوهش استفاده از ابزارهای خود گزارش دهی برای سنجش بنیان‌های اخلاقی، جهت‌گیری مذهبی و مهارت‌های ارتباطی بین فردی بود. در چنین ابزارهایی ممکن است افراد نسبت به پاسخ‌گویی‌های پرسشنامه‌ها سوگیری داشته باشند و مسئولانه به گویه‌ها پاسخ ندهند که این عامل تا حدودی دقت نتایج را کاهش می‌دهد.

- محدودیت دوم پژوهش کمبود مقاله‌ها در زمینه تبیین واضح مهارت‌های ارتباط بین فردی و بنیان‌های اخلاقی بود در صورتی که مقاله‌های بیشتری وجود داشت که مستقیم این مقوله مورد بررسی قرار می‌داد نتایج غنی‌تری می‌توانست به دست آید.

- محدودیت دیگر عدم علاقه و عدم همکاری و مشارکت بعضی از آزمودنی‌ها و عدم جدیت آنها در پاسخگویی به سوالات پرسشنامه‌ها و بی‌حوصلگی و ترس از افشای نظرات آن‌ها (مخصوصاً در پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی) پیشنهاد کاربردی:

با توجه به نتایج این پژوهش که جهت‌گیری مذهبی و بنیان‌های اخلاقی با مهارت‌های ارتباطی بین فردی رابطه مثبت و معنادار داشتند لذا روانشناسان و مشاوران مذهبی مدارس می‌توانند مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان را با آموزش‌های لازم بالا ببرند.



## منابع

- امین چهارسوقی، حامد. ۱۳۸۱. بررسی کارکرد مهارت گوش دادن موثر در سازمان. تدبیر
- سهرابی نادره و البرزی شهلا. ۱۳۸۲. بررسی ارتباط میان ابعاد هویت و عزت نفس در گروهی از نوجوانان دختر و پسر
- حیدر زاده و فیروزآبادی. ۱۳۸۶. بررسی ارتباطات بین فردی و تاثیر آن بر رضایت و وفاداری مشتری، پرتال جامع علوم انسانی
- بهرامی، معشوف. ۱۳۷۳. بررسی رابطه بین میزان عبادت و سلامت روان دانشجویان مرکز تربیت معلم تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- بولتون، رابرت (بی تا). ۱۳۸۶. روان شناسی روابط انسانی (مهارت های مردمی)، ترجمه سهرابی، حمید رضا و حیات روشنایی، افسانه. تهران: رشد
- رضاییان علی. ۱۳۷۹. مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت
- سهراییان، طاهره. (۱۳۷۹). بررسی تاثیر نگرش مذهبی بر سازگاری فردی و اجتماعی دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران
- ساروخانی، محمد باقر، (۱۳۷۲) جامعه شناسی ارتباطات، تهران، موسسه ی اطلاعات، ص ۲۵
- جان بزرگی مسعود. ۱۳۷۸. بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و مولفه های خودپنداشت با میزان تنیدگی دردانشجویان دانشگاه تهران و تربیت مدرس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی.
- چاری، حسین و فداکار، محمد مهدی. ۱۳۸۴. بررسی تأثیر دانشگاه بر مهارت های ارتباطی بر اساس مقایسه دانش آموزان و دانشجویان. دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشور، ۱۵: ۳۲۱
- حجازی، رضا. ۱۳۸۲. انسان و دین، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- کایوند فریدون و شفیع آبادی عبدالله و سودانی منصور. ۱۳۸۶. اثربخشی آموزش مهارتهای ارتباطی بر اضطراب اجتماعی دانش آموزان پسر سال اول متوسطه، فصلنامه دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی. شماره ۴ و دو. اصفهان
- لطف آبادی، حسین. ۱۳۸۰. زمینه های اجتماعی - فرهنگی رشد نوجوانان و جوانان. تهران: انتشارات نسل سوم.
- عادی و بزهدار شهر شیراز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره چهارم، شماره اول.
- عابدی علیرضا. ۱۳۸۵. ارتباطات بین فردی، نشریه حمایت ۴: ۸۰-۹۳
- قربانی نیما. ۱۳۸۴. سبک ها و مهارت های ارتباطی. تهران: انتشارات تبلور، ص ۲۱.
- کیانی، احمدرضا و همکاران. ۱۳۸۹. ابعاد جهت گیری مذهبی و مرزهای ارتباطی خانواده فصلنامه روان شناسی و دین، ش ۳، پاییز. ص ۹۴-۱۰۶.
- لطف آبادی حسین. ۱۳۸۵. رابطه جهت گیری مذهبی (درونی- بیرونی) با شیوه های مقابله با استرس در دانشجویان، فصلنامه علوم رفتاری.





منجمی زاده، اصغر. ۱۳۹۱. بررسی رابطه بین مهارت‌های ارتباطی بین فردی و میزان پذیرش اجتماعی دانشجویان دانشگاه پیام نور. پایان نامه کارشناسی ارشد، خوراسگان.

ماسن، پاول، هنری کیگان؛ جروم هوستون، آلتا کارون و کانجر جان جی وی. ۱۳۷۶. رشد و شخصیت کودکان. ترجمه: مهشید یاسایی. چاپ یازدهم. انتشارات کتاب ماد.

محمدی علی، آذربایجانی کاظم و مسعود. ۱۳۸۸. بررسی رابطه بین شادکامی اسلامی و شادکامی روان شناختی در دانشجویان دانشگاه قم. روان شناسی و دین، شماره ۳

نوری قاسم آبادی، ربابه. ۱۳۷۷. ارتباطات و پیوندهای اجتماعی ضامن سلامت فرد و جامعه، نشریه کار و کارگر.

Allport, G.W. & Ross J.M (1967) Personal Religious Orientation Prejudic, Journal of Personality and Social Psychology, Vol. 5.

Allport, G .1968 . The person in psychology. Boston, M.A: Beacon Press.

Allport, G.W. & Ross J.M (1967) Personal Religious Orientation Prejudic, Journal of Personality and Social Psychology, Vol. 5.

Crain, W.C. (1985). Theories of Development: Concepts and Applications. Prentice – hall. 118 – 136

Haidt, J. & Graham, J. (2007). When morality opposes justice: conservatives have moral domain. Journal of personality and social psychology, 101. 366-385.

Hargie, O., S. & Dickson, D (2004) Skilled interpersonal Communication: Research, Theory and Practice. New York: Routledge.

Kohlberg, L. (1986). A current statement on some theoretical issues. In S. Modgil & C. Modgil (Eds.), Lawrence Kohlberg. Philadelphia: Falmer